



بچستان به کامان طعم شیرین کی مخالفت را



بارفته محبت به کجا مے کشے مرا؟



لطف خدا، یاد مون نره

خدایی که لطف و فضل نداره،
دوست دالتنی نیت.



فهرست

مقدمه	+++ ۹
درس اول: «حسن ظنّ به خدا» معنایش چیه؟	+++ ۵۷
درس دوم: آدم امیدوار، باید نگرانم باشه؟	+++ ۷۵
درس سوم: آیا معنای امید و ترس رو درست فهمیدیم؟	+++ ۹۵
درس چهارم: این همه فرصت بخشش رو، می شه از دست داد؟	+++ ۱۱۵
درس پنجم: می شه خدا رو دوست نداشت و پرستید؟	+++ ۱۳۵
درس ششم: از مناجات الراجین امام سجّاد علیه السلام چی می دونیم؟	+++ ۱۵۳
درس هفتم: آدمای خوبم از خدا می ترسن؟	+++ ۱۷۹
چیزی که تو کتاب بعدی می خونید	+++ ۲۰۱
منابع	+++ ۲۰۳

مقدمه^۱



هر روحانی‌ای که وارد این مدرسه شده، به روز بیشتر دووم
نیاورده. به قدری بچه‌ها باهاش بد برخورد کردن که رفته و پشت
سرش رو هم نگاه نکرده.

اینا حرفای معلّمی بود که ازم می‌خواست، برا سخنانی به
مدرسه‌ای برم که اسمش خیلی بد در رفته بود. اون ادامه داد:
بهاییا تو این منطقه حسابی دارن کار می‌کنن. هریه بهایی، چند
تا بچه مسلمون رو دور خودش جمع کرده و اونا رو شستشوی
مغزی می‌ده. راستش به قدری بچه‌ها لیزن و از دست در می‌رن
که دیگه نمی‌دونیم چی کار کنیم! پای حرف معلّما و روحانیا
نمی‌شینن؛ ولی حسابی بازار این بهاییا رو گرم می‌کنن.
گلایه‌ش در باره بچه‌ها که تموم شد، گفت: خب، حالا چی
کار می‌کنید؟ به مدرسه مون می‌آید یا نه؟

من که سرم درد می‌کرد برا رفتن به این جور مدرسه‌ها،
بدون هیچ مکتبی گفتم: البته که می‌آم!

۱. مقدمه‌های این مجموعه، خاطرات تبلیغی خودم هستن که
اونا رو با پردازش داستانی می‌آرم.